

تئوری مهار - موازنه ؛ راهبرد بازیگران غیر همسو در محیط منطقه ای غرب آسیا

در یک دهه اخیر (2015-2025)^۱

حکمت ناصر^۲، شهرام فتاحی^۳، حمید رضا سعیدی نژاد^۴

چکیده: از مهمترین موضوعاتی که از منظر مطالعات محیط بین الملل، توجه قاطبه تحلیل گران را معطوف به خود نموده، استراتژی و نقش یابی دو بازیگر غیر همسو (ایران و آمریکا) در محیط منطقه ای غرب آسیا در دهه ی گذشته بوده است. سوال این است که، واکنش ایران در مقابل سیاست گذاری های راهبردی آمریکا برای محیط منطقه ای غرب آسیا چگونه بوده است؟ به نظر می رسد که استراتژی ایران به عنوان یک کنش گر غیر همسو در مقابل سیاست گذاری راهبردی آمریکا در محیط منطقه ای غرب آسیا، بازی موازی و استفاده از محرک های چند سطحی (نقش یابی فعال در مواقع لزوم) و ائتلاف سازی های تاکتیکی بوده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی، با روش کیفی - تفسیری و با رویکرد توصیفی - تحلیلی تدوین شده است. یافته های پژوهش نشان می دهند که، مولفه های راهبردی مهار - موازنه آمریکا در محیط منطقه ای غرب آسیا به عواملی همچون: توازن سازی از طریق احاله اختیارات، ائتلاف سازی منطقه ای (اتحاد)، شبکه سازی پایگاهی و فروش تسلیحات (بازدارندگی هوشمند) بستگی دارد. عکس العمل ایران نیز عواملی همچون: شبکه سازی (محور) منطقه ای، ارتقاء و توسعه توانمندی های دفاعی - نظامی، حمایت لجستیکی و تسلیحاتی از کشورهای همسو در منطقه می باشند. شیوه های بکارگیری این مولفه ها برای هر دو بازیگر در محیط منطقه ای غرب آسیا نیز متفاوت است که در پژوهش به تفصیل به توضیح آنها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: تئوری مهار، موازنه، موازنه تاکتیکی، سیاست گذاری راهبردی، محیط منطقه ای غرب آسیا.

^۱: پژوهش حاضر برگرفته از رساله ی دکتری نگارنده می باشد.

^۲: دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی (مسایل ایران)، واحد کرمانشاه، دانشگاه ازاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. hekmatnaser1999@gmail.com

^۳: استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه ازاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول) shahramfattahi@iau.ac.ir

^۴: استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه ازاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. Saeedynzhad@iau.ac.ir

1- مقدمه: اهمیت محیط منطقه ای غرب آسیا را می توان در به کارگیری سازوکارهای مناقشه آمیز از سوی بازیگران منطقه ای و بین المللی دانست. این محیط ، گروههای فرهنگی و نژادی گوناگونی از قبیل فرهنگ های ایرانی ، عربی ، بربرها ، ترکی ، کردی ، یهودی و آسوری را در خود جای داده است. محیط منطقه ای غرب آسیا تنها یک تعییر ساده جغرافیایی نیست ، بلکه با گذشت زمان به محتوای سیاسی و راهبردی این منطقه روز به روز افزوده شده است. بعد از حمله یازدهم سپتامبر 2001 میلادی به این سوی ، آمریکا از سازوکارهای کنش تهاجمی در محیط منطقه ای غرب آسیا بهره گرفته است. در این شرایط زمینه برای خلاء قدرت قدرت منطقه ای فراهم گشت (هاشمی و دیگران ، 1403 : 12). حوادث 11 سپتامبر 2001 و ضعف سیستم های سیاسی و فرهنگی برخی از کشورهای منطقه ی غرب آسیا باعث شد تا دولت های منطقه با حضور آمریکا در تصمیم گیری و نقش آفرینی کشورهایشان هیچگونه اعتراض و ممانعتی نداشته باشند، اما کنش گری جمهوری اسلامی ایران در مقابل آن بخصوص در دهه ی گذشته سبب بروز اتفاقات و حوادثی در محیط منطقه ای غرب آسیا شد ، که در این پژوهش به تفصیل به بررسی این اتفاقات خواهیم پرداخت (نصر اصفهانی و دیگران ، 1402 : 130).

فرایند های تصمیم گیری و تصمیم سازی در محیط بین الملل امروزه کاملاً پیچیده و سیستمی و تابعی از تعارضات بین بازیگران همسو و غیر همسو در محیط شده است. محیط منطقه ای غرب آسیا بخصوص در یک دهه ی گذشته جولانگاه قدرت های بین المللی و منطقه ای برای نفوذ و پیشبرد منافع خود بوده است. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا به عنوان دو بازیگر غیر همسو در این محیط ، با نقش یابی تاکتیکی همواره در صدد کنترل نفوذ هم بوده اند. سیاست گذاری راهبردی آمریکا در محیط منطقه ای غرب آسیا و کنش تهاجمی این کشور سبب فراز و فرودهایی در این محیط شده است ، که مسئله ی پژوهش حاضر را شکل می دهد. حال سوال این است که، واکنش ایران در مقابل سیاست گذاری های راهبردی آمریکا برای محیط منطقه ای غرب آسیا چگونه بوده است؟ به نظر می رسد که استراتژی ایران به عنوان یک کنش گر غیر همسو در مقابل سیاست گذاری راهبردی آمریکا در محیط منطقه ای غرب آسیا ، بازی موازی و استفاده از محرک های چند سطحی (نقش یابی فعال در مواقع لزوم) و ائتلاف سازی های تاکتیکی بوده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی ، با روش کیفی - تفسیری و با رویکرد توصیفی - تحلیلی تدوین و بررسی شده است. جمع آوری اطلاعات و داده ها نیز بصورت نت برداری از منابع دسته اول داخلی و خارجی و به شیوه ی کتابخانه ای بوده است. هدف از طرح پژوهش حاضر نیز تفسیر استراتژی راهبردی آمریکا در محیط منطقه ای غرب آسیا در مقابل کنش گران غیر همسو بوده است. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر نیز در این است که تئوری

پردازان و تحلیل گران استراتژی ایالات متحده آمریکا به عنوان هژمون جهانی در محیط منطقه ای مذکور و عکس العمل جمهوری اسلامی ایران در مقابل این راهبردها را بیشتر شناخته و برای آینده برنامه ای جامع و مدون ترسیم نمایند.

2 - مبانی نظری

1 - 2 - ادبیات نظری (پیشینه): بعد از بررسی و تحلیل ادبیات موجود (داخلی و خارجی) در زمینه ی موضوع مورد نظر، بصورت مستقیم منبعی یافت نشد. در ادامه ی بحث چند اثر را که با موضوع دارای سنخیت بیشتری هستند، بصورت خلاصه تحلیل می نماییم:

- هاشمی و همکاران (1403)، در مقاله ای با عنوان موضوعی «سیاست گذاری راهبردی جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدامات آمریکا در جنوب غرب آسیا» معتقدند که سیاست راهبردی ایران در مقابل کنش های منطقه ای متأثر از کنش های سیستم بین الملل و همچنین متأثر از بازیگران منطقه ای طراحی و اجرا می شود. همچنین در این پژوهش شاخص های قدرت ملی دو کشور (آمریکا و ایران) در محیط منطقه ای غرب آسیا تحلیل و تفسیر شده است.

- مصلی نژاد (1403)، در مقاله ای با عنوان موضوعی «بحران های منطقه ای، جنگ غزه و آینده سیاسی جهان اسلام» معتقد است که بحرانهای منطقه ای از جمله جنگ غزه مهمترین بحران دهه ی سوم قرن بیست و یکم بوده و نشانه هایی از تغییرات هویتی، تکنولوژیک و ژئوپلیتیکی شده و این مسائل سبب تغییر نظم و موازنه قوای منطقه ای شده و آینده محیط پیرامونی ایران را با چالشهایی روبرو کرده است.

- گنجیان و جعفری (1402)، در مقاله ای با عنوان موضوعی «منافع نظامی - امنیتی و تقابل راهبردهای آمریکا - ایران در غرب آسیا» معتقدند که منطقه ی محیطی غرب آسیا به دلیل موقعیت خاص و راهبردی خود در استراتژی سیاستهای آمریکا در منطقه بسیار حیاتی و حائز اهمیت بوده است. از دیگر سوی جمهوری اسلامی ایران با قرار گیری در موقعیت محیطی و ژئوپلیتیکی چهار راه مواصلاتی جهان و به عنوان بازیگری غیر همسو در تقابل با سیاستهای اتخاذی آمریکا و متحدانش در محیط منطقه ای غرب آسیا نقش افرینی می کند.

- طالعی حور (1402)، در مقاله ای با عنوان موضوعی «جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا: تقابل راهبردی در منطقه غرب آسیا» معتقد است که الگوی رفتاری دو کشور ایران و آمریکا در محیط بین الملل طی چهار دهه گذشته کاملاً غیر همسو و تعارضی بوده و دو کشور انواع الگوها را برای مقابله با هم امتحان کرده اند. دو کشور در محیط

منطقه ای غرب آسیا نیز با اتخاذ استراتژی های مختلف در صدد مهار و کنترل هم بوده و تاثیر بازیگری این دو قدرت در محیط منطقه ای غرب آسیا کاملاً مشهود است.

- جمشیدی و همکاران (1401)، در مقاله ای با عنوان موضوعی «راهبرد کلان ایالات متحده آمریکا (جوبایدن 2020 - 2024) در منطقه ی غرب آسیا و تاثیر آن بر مدیریت راهبردی (سیاسی - دفاعی) جمهوری اسلامی ایران در محور تحت نفوذ» معتقدند که ایالات متحده آمریکا در این برهه زمانی با واگذاری منطقه به متحدین راهبردی خود و نظارت کیفی بر اجرا و تمرکز بر برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران از راه دور به کنترل و مهار ایران پرداخته است.

- حسن پور و ترشیزی برگوئی (1397)، در مقاله ای با عنوان موضوعی «بررسی تاثیر توسعه پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران» معتقدند که آمریکا برای توجیه دخالت خود در منطقه غرب آسیا و به بهانه مبارزه با تروریسم و افراط گرایی و با هدف مهار نفوذ کنش گران غیر همسو از جمله ایران با ایجاد پایگاههای نظامی و دریایی در اطراف مرزهای ایران در صدد تحمیل فشار بر این بازیگر منطقه ای می باشد.

- کاتز⁵ (2018)، در مقاله ای با عنوان موضوعی «محور در حال رشد، استراتژی منطقه ای در حال تحول ایران و مشارکتهای غیردولتی در منطقه غرب آسیا» معتقد است که تاثیر گذاری مداخله ایران در جنگهای سوریه، عراق و یمن، قدرت و دامنه محور مقاومت و مشارکت چند دهه ای میان ایران، حزب الله و سوریه را دگرگون کرده و محور مقاومت به رهبری ایران ابتدا با اهداف دفاعی، دفاع از متحدان آن کشور و حفظ موجودیت این محور آغاز شد و سپس به اهداف تهاجمی علیه رژیم صهیونیستی، ایالات متحده و عربستان سعودی تبدیل شده که باعث ایجاد قدرت جدید نظامی، مشروعیت سیاسی و ذهنیت منطقه ای مشترک در میان شرکای ایران شده است (catz, 2019).

- طباطبایی و کلارک⁶ (2019)، در مقاله ای با عنوان موضوعی «گروه های هم پیمان ایران بیش از هر زمان دیگری قدرتمند هستند» معتقدند که جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با نفوذ آمریکا در محیط منطقه ای غرب آسیا به ویژه پس از سال 2003 در صدد تشکیل محور مقاومت بر آمده و با وجود افزایش فشارها از طرف سیستم بین الملل بر جمهوری اسلامی ایران به ویژه در چند سال اخیر، گروههای مقاومت مورد حمایت ایران اما همچنان دست بالا را در منطقه دارند (Tabatabaei & Ceallarke, 2019).

⁵ : Berayan Cats

⁶ : Tabatabaei and Ceallarke

- رایت⁷ (2021)، در مقاله ای با عنوان موضوعی «بایدن چهره مین گذاری شده در دیپلماسی جدید با ایران» به بررسی سیاست خارجی بایدن در خاورمیانه پرداخته است. یافته های این پژوهش نشان می دهند که، تنها راه مقابله با ایران استفاده از قدرت هوشمند می باشد تا توانمندی های متفاوت ایران را از نظامی تا اقتصادی با استفاده از تحریم ها تضعیف شود (Wright, 2021).

با بررسی ادبیات موجود در زمینه ی موضوع مورد نظر نگارنده و تحلیل چند نمونه از این موارد در می یابیم که، کنش راهبردی ایران متأثر از بازیگری بازیگران منطقه ای و بین المللی طراحی و اجرا می شود. همچنین بحرانهای منطقه ای در محیط ژئوپلیتیک غرب آسیا نشانه هایی از تغییرات هویتی، تکنولوژیک را شامل شده، که این تغییرات باعث تغییر نظم و موازنه قوای منطقه ای شده است. اهمیت ژئوپلیتیکی ایران به عنوان چهار راه مواصلاتی جهان و تعارض در الگوی رفتاری دو قدرت همانند امریکا و ایران در محیط منطقه ای غرب آسیا و تاثیر استراتژی دو کشور در این محیط کاملاً هویدا است. اما جنبه نوآوری پژوهش حاضر این است که علاوه بر تکمیل پژوهش های قبلی و ذکر شده در این حوزه، نگارنده سعی دارد با نگاهی بدیع به موضوع و بر اساس تئوری موازنه - مهار راهبرد کنش گری دو کشور ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران در محیط منطقه ای غرب آسیا در دهه ی گذشته را تفسیر نموده و در این زمینه به داده ها و یافته های قابل توجهی دست یافته است.

2-2 - مفهوم شناسی (واژگان):

- تئوری مهار: این تئوری در تاریخ سیستم بین الملل با در دکتترین مونروئه (1823) و تأکید آمریکا بر مقابله با تلاش قدرتهای اروپایی برای تقویت خود در نیمکره غربی، در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی از سوی آلمان دوره بیسمارک در رابطه با فرانسه از طریق دخالت در امورداخلی همسایگان آن در آن دوران (بلژیک، اسپانیا، ایتالیا) و بار دیگر در ابتدای قرن بیستم از سوی دولتهای اروپایی علیه انقلاب بلشویکی (روسها) و تلاش بلشویک ها برای صدور انقلاب و در دهه 1930 میلادی از سوی دولتهای اروپایی برای مهار آلمان نازی بکار گرفته شد (Kenan, 1947 : 576). استراتژی مهار به کلیه فعالیتهای دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی و حقوقی گفته می شود که قدرتهای بزرگ محیط بین الملل به منظور محدودکردن تحرک منطقه ای، کاهش توان کنش گری و انزوای سیاسی و اقتصادی یک قدرت رقیب انجام می دهند (Entessar & Afrasiab, 2019 : 5).

⁷ : Wright

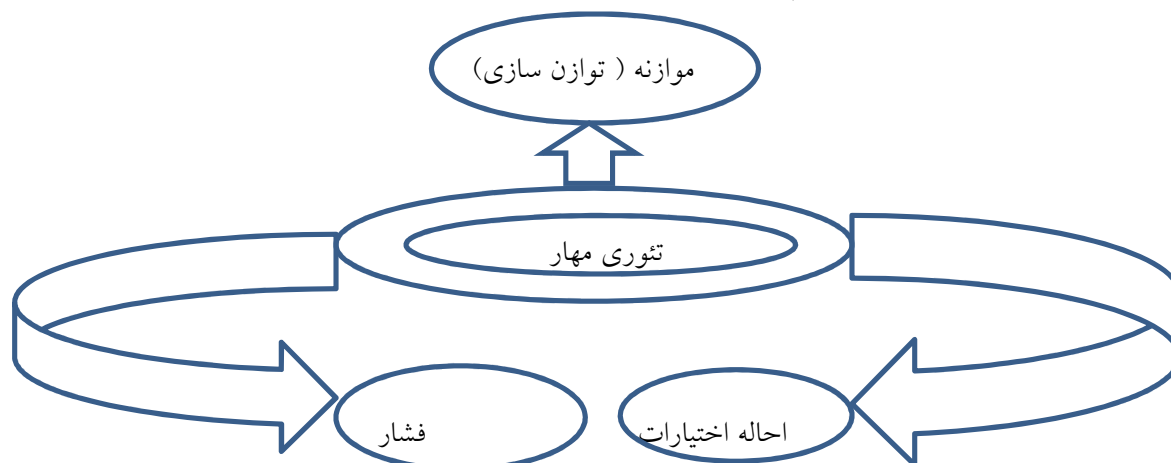
- موازنه گرایی (توازن سازی): برخلاف استراتژی هژمونی لیبرال که چندقطبی بودن محیط بین الملل را منتج به بی ثباتی می داند، موازنه گرایی تلاش برای حفظ هژمونی آمریکا با تأکید بر کنش های یکجانبه را شکست خورده دانسته و نه تنها به تثبیت برتری این کشور موجب نمی شود ، بلکه سایر کشورها را به همکاری جهت مقابله با دولت هژمون وا میدارد و کاهش قدرت نسبی آن کشور را در پی دارد (گوهری مقدم و حضرتی رازلیقی ، 1401 : 132).

- سیاست گذاری راهبردی: سیاست گذاری راهبردی تبیین کننده اهداف بازیگران منطقه ای و قدرتهای فرا منطقه ای است. ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران برای کنش رقابتی خود در منطقه غرب آسیا دارای شکل بندی های متفاوتی از سیاست گذاری راهبردی هستند. ارزیابی های انجام شده بیانگر این واقعیت است که بخش عمده ای از سیاست گذاری امنیت منطقه ای ایران در مقابله و مخالفت با قالبهای رسالت گرایی ، هژمونیک گرایی و قوم مداری آمریکایی بوده است. ایالات متحده آمریکا نیز تلاش دارد تا موقعیت ایران را کاهش داده و از ظهور بازیگر هژمون منطقه ای جلوگیری به عمل آورد (هاشمی و دیگران ، 1403 : 15).

- منطقه ی غرب آسیا: جهان اسلام به یازده منطقه ی جغرافیایی محدودتر شامل: جنوب شرق آسیا ، جنوب آسیا ، فلات ایران ، آسیای مرکزی ، قفقاز و ترکیه ، اروپای جنوب شرقی ، شمال آفریقا ، شرق آفریقا ، غرب آفریقا ، آفریقای مرکزی و شبه جزیره عربستان تقسیم می شود. منطقه ی غرب آسیا که اساسا به عنوان مرکز ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی جهان اسلام از آن نام می برند ، از چند منطقه ی ژئوپلیتیک مجزا شکل گرفته است. بر این اساس پراکندگی کشورهای مسلمان در سه قاره و عدم پیوستگی و یکپارچگی این کشورها ، باعث ایجاد تنوع و تفاوت های فاحشی در ویژگی های اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی کشورهای جهان اسلام شده است. لذا منطقه ی غرب آسیا از لحاظ جغرافیایی در مرکز تقاطع سه قاره اروپا ، آسیا و آفریقا قرار گرفته به طوری که از ناحیه کشور ترکیه به اروپا از کشور مصر به آفریقا متصل می باشد (جعفری و کلانی ، 1403 : 10).

3 - 2 - چارچوب نظری: تئوری مهار- موازنه: قدرت هژمون همواره تمایل به همکاری ، ائتلاف ، اتحاد نظامی و دیپلماتیک با بازیگران همسو و متحد در نقاط مختلف جهان را دنبال می کند. در مناطقی نظیر محیط منطقه ای غرب آسیا ، کنش گری آمریکا با نقش آفرینی متحدان سنتی و همسو از طریق موازنه سازی و به شیوه های مختلف از جمله احاله مسئولیت به آنها ، برای کنترل و مهار بازیگران غیر همسو از جمله جمهوری اسلامی ایران برنامه ریزی و تلاش می کند (قربانی شیخ نشین و دیگران ، 1403 : 69). مهمترین نمونه کاربست استراتژی مهار از سوی آمریکا علیه

کمونیسم بر پایه اندیشه های جورج کنان⁸ مطرح شد. این سیاست در دکترین ترومن⁹ در سال 1947 کمک فوری اقتصادی- نظامی به یونان و ترکیه را تضمین می کرد ، در دکترین آیزنهاور¹⁰ در 1957 وعده کمک نظامی- اقتصادی به کشورهای غرب آسیا که در برابر کمونیسم مقاومت می کردند، به اجرا در آمد (: 6Entessar & Afrasiab, 2019).



1 - 3 - 2 - مولفه های استراتژی مهار:

الف : موازنه سازی: در این استراتژی یک قدرت بزرگ تر مسئولیت مستقیم را برای جلوگیری از برهم خوردن موازنه قوا از سوی یک دولت رقیب به دوش می گیرد. هدف این تئوری ایجاد بازدارندگی برای مهاجم است ، اما اگر این امر به شکست بی انجامد ، کشور موازنه گر در جنگ بعدی آن شرکت می کند. بدین سان قدرت هژمون نظام بین الملل با حضور مستقیم در مناطق مختلف سعی دارد تا به کشور متخاصم این پیام را دهد که عبور از خطوط قرمز مورد نظرش تحمل نشده و در صورت لزوم به رویارویی مستقیم نظامی خواهد انجامید.

ب : احاله مسئولیت: این استراتژی بهترین جایگزین برای موازنه سازی از سوی یک قدرت بزرگ در مقابل یک دولت رقیب است. در این استراتژی برخلاف موازنه سازی که خود قدرت بزرگ وارد عمل شده و سعی در مهار دولت هدف به صورت مستقیم دارد ، قدرتهای بزرگ مهار یک دولت رقیب را به وسیله کشور دیگری (متحد) انجام می دهند. به این معنا که قدرتهای بزرگ سعی دارند تا با واگذار کردن مسئولیت مهار به یک قدرت بزرگ منطقه ای ، در حاشیه باقی مانده و از این راه از هزینه مبارزه خود با قدرت رقیب و متخاصم در مناطق مختلف جهان بکاهند.

⁸ : Jorch Kenan

⁹ : Teromane Doceterean

¹⁰ : Ayzean haver Doceterean

ج : فشار: در این استراتژی اقدام هایی مانند ایجاد محدودیت در زمینه تسلیحاتی و فناوری های با قابلیت کاربرد دوگانه ، حضور نظامی در محیط پیرامونی دولت رقیب از طریق ایجاد ائتلاف با کشورهای منطقه ، جنگ محدود و ترور مقامهای نظامی را با هدف ارسال پیام به منظور عدم تأیید رفتار یک بازیگر خاص و تضعیف تواناییهای نظامی کشور رقیب در بردارد (طالعی حور ، 1402 : 78).

جان مرشایمر¹¹ و استفان والت¹² معتقدند که ایالات متحده آمریکا باید با انجام موازنه میان بازیگران مختلف اطمینان حاصل کند ، در مناطقی چون اروپا ، خلیج فارس و شمال شرق آسیا هیچ بازیگری نقش دست برتر را نسبت به سایرین نخواهد یافت. کنشگری نیابتی ، احاله مسئولیت ، ائتلاف سازی ، راهبرد تلفیقی از قدرت سخت (در موارد گزینشی) و نرم ، رهبری پنهان و مسئولیت محدود ، به عنوان تاکتیکهای مندرج در استراتژی توازن سازی و موازنه از راه دور به حساب می آیند. از دید مرشایمر بهره گیری از کنش گری نیابتی و استفاده از ظرفیت متحدان در مناطق مختلف با تاکید بر راهبرد احاله مسئولیت به دیگری و موازنه سازی می تواند همان نقش حفاظت از منافع هژمون را بدون مداخله مستقیم و فرسایش قدرت آن برآورده سازد (Mearsheimer & Walt, 2016 : 72). بنابراین موازنه منطقه ای و کنترل آن از راه دور به شیوه ی احاله اختیارات ، تقسیم هزینه با متحدان منطقه ای و تقدم موازنه سازی درونی بر موازنه سازی بیرونی شیوه ای است که ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا بکار می برد. بنابراین شیوه دولت هژمون داوطلبانه و کاملاً ارادی از مدیریت مناسبات امنیتی در مناطق کلیدی نظیر منطقه ی غرب آسیا کنار رفته و وظیفه حفظ موازنه قوای منطقه ای را به دیگران می سپارد ، هزینه های اعمال قدرت و حفظ امنیت را میان شرکای خود توزیع کرده و با ایجاد ثبات ، مانع از بسط هژمونی قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای بر آن ناحیه جغرافیایی می شود. دولت هژمون (ایالات متحده آمریکا به رغم حضور مقطعی در ائتلاف های منطقه ای از مشارکت دائمی در اتحادهای منطقه ای خودداری می کند) (گوهری مقدم و حضرتی رازلیقی ، 1401 : 132).

3 - روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر ماهیت بنیادی ، از نوع نظری- کاربردی و روش انجام آن مطالعه اسنادی (کیفی) مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی ، و برای تدوین و تحلیل آن از چارچوب نظری مهار - موازنه استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات و داده ها نیز بدین صورت بوده است که ، داده های مورد استفاده از طریق منابع دسته اول و بصورت نت برداری از منابع بصورت کتابخانه ای تهیه و تنظیم شده است. روش تحلیل کیفی رویکردی کاملاً زمینه ای

¹¹ : Jan Mershaemer

¹² : Estephan Walte

است که در آن داده ها در یک دوره زمانی طولانی و در پاسخ به سؤالات چرایی و چگونگی به جای ارائه یک چشم انداز کوتاه در مورد پدیده مورد مطالعه جمع آوری می شوند. تأکید و تمرکز پژوهش بر درک و بیان فرایندهای پویا و پیچیده است. هدف از طرح پژوهش حاضر نیز تفسیر استراتژی راهبردی آمریکا در محیط منطقه ای غرب آسیا در مقابل کنش گران غیر همسو بوده است. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر نیز در این است که تئوری پردازان و تحلیل گران استراتژی ایالات متحده آمریکا به عنوان هژمون جهانی در محیط منطقه ای مذکور و عکس العمل جمهوری اسلامی ایران در مقابل این راهبردها را بیشتر و بهتر شناخته و برای آینده برنامه ای جامع و مدون ترسیم نمایند.

4 - تجزیه و تحلیل داده ها (نتایج و یافته ها)

1 - 4 - جایگاه محیط منطقه ای غرب آسیا در سیاست گذاری راهبردی ایالات متحده آمریکا: استراتژی کلان

آمریکا در یک دهه اخیر در محیط منطقه ای غرب آسیا همواره این بوده که سعی نموده تا خود را از بحرانهای منطقه دور نگه داشته و مسئولیت بحرانها و تحولات منطقه ای را به کشورهای منطقه واگذار نماید. آمریکا با نزدیک نمودن اعراب و اسرائیل در چهارچوب توافق صلح ابراهیم، سعی در برون سپاری اختیارات و استفاده از ظرفیت این کشورها برای موازنه و دشمنان خود در منطقه داشته است، تا با خیالی راحت تر به موازنه با چین در آسیا - پاسیفیک پردازد (قلخانباز و دیگران، 1402: 36 - 35). محیط منطقه ای غرب آسیا در تقاطع سه قاره قرار داشته و پشتیبانی کننده شبکه های منطقه ای و جهانی اقتصادی از طریق راههای دریایی تجاری مهم، دالانهای هوایی، خطوط لوله و راههای زمینی است. در راهبردهای آمریکا، از ایران به عنوان بازیگر مخرب منطقه ای و عامل بی ثباتی در منطقه نام برده می شود. ایران و محور مقاومت به عنوان تهدید اصلی از نظر آمریکا و منافع آن همواره در راهبردهای منطقه ای این کشور حائز اهمیت اند (ضرغامی و ایزدی، 1402: 10).

الف: پیشینه ی ورود آمریکا به محیط منطقه ای غرب آسیا: ایالات متحده آمریکا اولین بار در سال 1930 وارد خلیج فارس شد و توانست امتیاز انحصاری استخراج نفت عربستان را به دست بیاورد. اما خروج بریتانیا از خلیج فارس در سال 1971 مسیر را برای تبدیل شدن آمریکا به قدرت بلامنازع غرب آسیا هموار نمود. پس از حمله عراق به کویت، بیشتر کشورهای حوزه خلیج فارس اجازه دسترسی آمریکا به اطلاعات محرمانه و پایگاه های نظامی شان را دادند. نقش ایران تا پیش از پیروزی انقلاب، یک نقش متوازن کننده در غرب آسیا بود. اما وقوع انقلاب باعث شد آمریکا مجدداً ناچار به ساختن سیاست جدید در منطقه شود. جنگ ایران و عراق، منافع آمریکا را در منطقه خلیج فارس را تهدید می کرد. لذا سازمان شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک اقدام دفاعی، به منظور

غلبه بر ترس از گسترش جنگ ایران و عراق سازماندهی شد. مقابله با تروریسم بعد از حمله یازدهم سپتامبر 2001، تبدیل به دورنمای کلی سیاستهای امنیتی آمریکا در منطقه شد. این رویکرد آمریکا در زمینه حمله به عراق و افغانستان متبلور گردید که با مخالفت بسیاری از کشورهای منطقه روبه رو شد. نکته دیگر در پیشینه سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا این است که در طول هفتاد سال گذشته، رژیم صهیونیستی همواره حامی منافع آمریکا در این منطقه از دنیا بوده است (حیدرپور و دیگران، 1400: 295).

ب: کاهش تدریجی حضور مستقیم آمریکا و احاله اختیارت: چرخش آمریکا به سمت شرق آسیا برای موازنه با چین از یکسو، و کاهش نقش و جایگاه محیط منطقه ای غرب آسیا برای این کشور از سوی دیگر، باعث کاهش حضور آمریکا در این محیط بوده است. تصمیم اوباما در سال 2015 مبنی بر عدم مداخله در سوریه، نقطه عطفی به سوی جدایی استراتژیک آمریکا از خاورمیانه پس از یک دهه غیبت نسبی از منطقه بود. دونالد ترامپ¹³ نیز بر این عقیده بود که با احاله اختیارات به کشورهای منطقه، بتواند به رقابت و موازنه پردازد. ترامپ ضمن اینکه برای حفظ جایگاه برتر آمریکا در نظام بین الملل تلاش می کرد، حاضر نبود دولت وی کار ویژه های دولت هژمون را در نقاط مختلف جهان از جمله منطقه غرب آسیا برعهده بگیرد. اما دولت بایدن برخلاف وعده های دوران کمپین انتخاباتی، پس از ورود به کاخ سفید، سیاست خود را در خصوص احیای برجام تا حدی تغییر داد (جمشیدی و دیگران، 1401: 109). جیک سالیوان¹⁴ مشاور امنیت ملی بایدن، کارکنان امنیت ملی را در ادارات خاورمیانه و آسیا تغییر ساختار داده، تیم اختصاص داده شده به منطقه را کوچک کرده است. لذا غرب آسیا به دلایل متعددی همچون: کاهش وابستگی قدرتهای بزرگ به انرژی منطقه، وجود بحرانهای دائمی و رقابت شدید قدرتهای منطقه ای، کاهش نقش و جایگاه مناطق برای قدرتهای بزرگ در دوران پس از جنگ سرد و تمرکز آمریکا بر منطقه آسیا - پاسیفیک، جایگاه استراتژیک خود را برای آمریکا از دست داده است (قلخانباز و دیگران، 1402: 36). مرشایمر در این خصوص میگوید: حضور همه جانبه در غرب آسیا، دیگر برای آمریکا مقرون به صرفه نیست. بلکه این کشور باید از روشهای دیگری برای کنترل فضای منطقه بهره برد. یکی از این روشها میتواند احاله مسئولیت به متحدین باشد (Mershaemer & Wallt, 2016: 80).

2-4 - سیاست گذاری راهبردی (مولفه های مهار- موازنه) آمریکا برای مهار ایران:

الف: توازن سازی از طریق احاله اختیارات: ایالات متحده آمریکا در چند سال اخیر با ورود دولت بریتانیا و پیمان ناتو به خلیج فارس و نقش آفرینی عربستان سعودی در این منطقه، سه مرحله بسیار مهم از سیاست تمرکز زدایی در

¹³: Donald Teramp

¹⁴: Jack Sallevan

منطقه غرب آسیا را اجرا کرده است. در این راستا بریتانیا در سال 2015 اقدام به تأسیس یک پایگاه دریایی در منطقه مینا سلمان بحرین نمود. همچنین پیمان ناتو با چراغ سبز این کشور در سال 2017 میلادی اولین مرکز کنترل فرماندهی خود را در کویت افتتاح کرد. در محیط منطقه ای غرب آسیا نیز عربستان سعودی از سال 2015 به طور مستقیم با جنبش انصارالله یمن وارد درگیری نظامی شد. در دوره دونالد ترامپ نیز این کشور مرحله چهارم سیاست احاله مسئولیت به متحدین منطقه ای و بین المللی خود را به اجرا گذاشته و سعی کرد تل آویو را از طریق توافقات آبراهام (توافقنامه صلح ابراهیم) وارد محیط منطقه ای غرب آسیا نماید (طالعی حور ، 1402 : 83).

ب : شبکه سازی پایگاهی و فروش تسلیحات (بازدارندگی هوشمند): فروش تسلیحات به روز به کشورهای منطقه یکی از سیاستهای آمریکا در قالب بازدارندگی هوشمند است. آمریکا به منظور محافظت از دولتهای منطقه و مراکز تولید نفت در مقابل موشکهای بالستیک رقیبان غیر همسو و سامانه های پدافند ضد هوایی پیشرفت های را در اختیار آنها قرار داده است. از دهه ی 1990 بعد هر کدام از کشورهای خلیج فارس ، به استثنای عمان ، قابلیت دفاع موشکی را یکی از سیاستهای تخطی ناپذیر قلمداد می کنند. عربستان ، بحرین ، کویت ، قطر و امارات متحده عربی همگی مجهز به سیستم دفاع موشکی پاترویت (پک 2 و 3) هستند. در کنار فروش تسلیحات به کشورهای منطقه ، یکی دیگر از اقدامات آمریکا برای مقابله با کشورهای غیر همسو از جمله ایران ، شبکه سازی پایگاهی است. آمریکا تلاش می کند پایگاه های نظامی خود را با هدف تسلط بر منطقه ، کسب نتایج مطلوب و سازماندهی آن مطابق ترجیحات خود گسترش دهد (جمشیدی و دیگران ، 1401 : 110).

ج : ائتلاف سازی منطقه ای (اتحاد): آمریکا به جز رژیم صهیونیستی با هیچ کدام از کشورهای منطقه غرب آسیا پیمان طبیعی مبتنی بر اشتراکات فرهنگی و اجتماعی نداشته و همیشه سعی دارد با مطرح ساختن یک عنصر تهدیدزا ، بستر مناسبی را برای شکل گیری اتحادها میسر سازد. در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا آمده است که: ما حضور نظامی لازم آمریکا در منطقه را برای حفظ آمریکا و متحدانمان در مقابل حملات تروریستی و حفظ تعادل مطلوب قدرت منطقه ای حفظ خواهیم کرد. صلح ابراهیم یکی از مهمترین تلاشهای ترامپ برای ائتلاف سازی منطقه ای بود. هرچند ارتباط مستقیم اسرائیل با کشورهای منطقه خلیج فارس به بیش از دو دهه پیش می رسد و عمان و قطر اولین کشورهایی بودند که در سال 1996 با تأسیس دفاتر تجاری در پایتخت های خود ، روابط تجاری مستقیم با این رژیم برقرار کردند ، ولی کشورهای امارات متحده عربی و بحرین روابط خود با رژیم صهیونیستی را در پانزدهم سپتامبر 2020 میلادی با امضاء توافقنامه ی صلح عمومی موسوم به پیمان ابراهیم عادی سازی کردند (جمشیدی و دیگران ، 1402 : 602).

3-4 - عکس العمل مقابله ای ایران در برابر مولفه های (مهار- موازنه) ایالات متحده آمریکا:

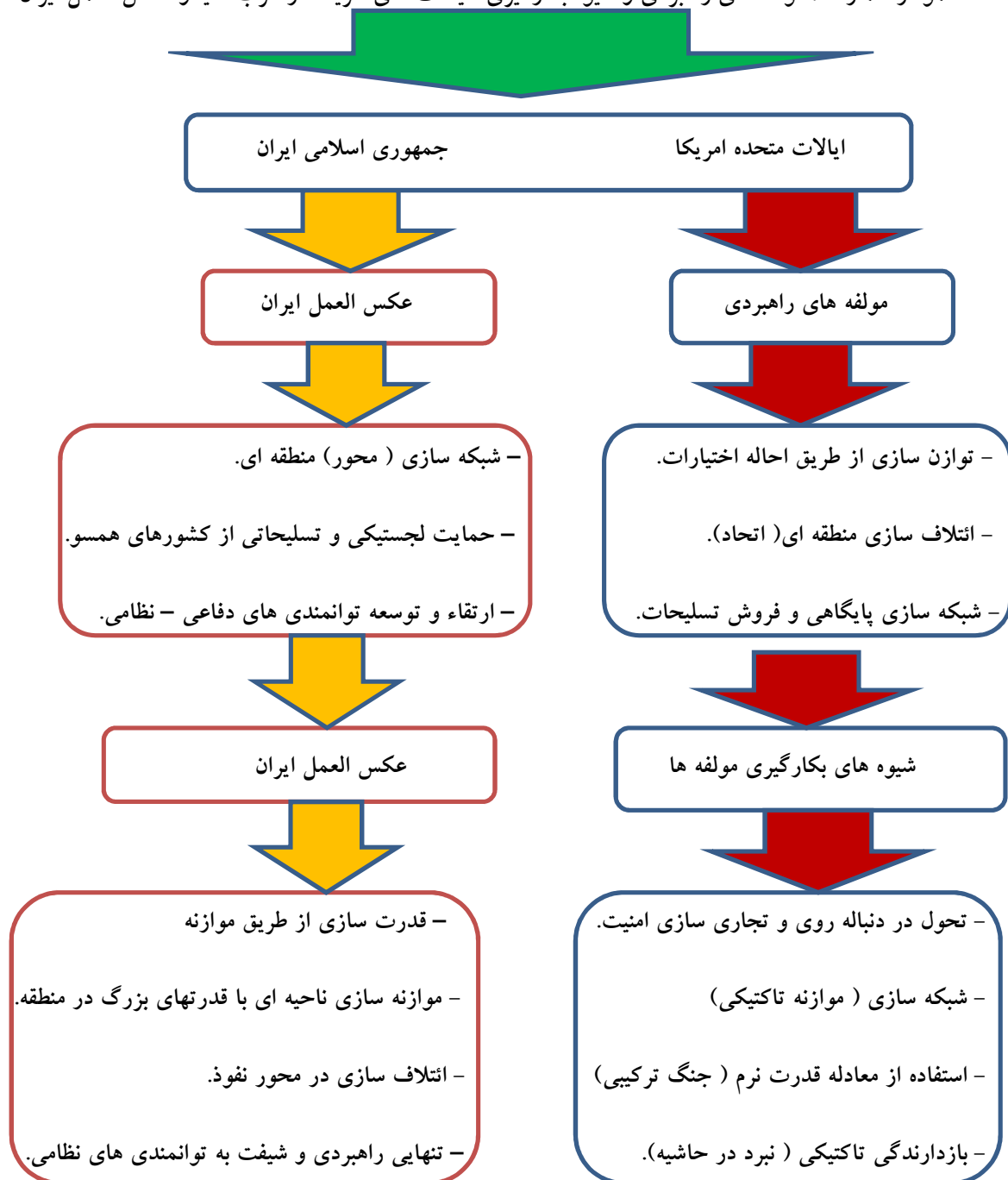
الف : شبکه سازی (محور) منطقه ای: ایران برای خنثی کردن سیاستهای مهار آمریکا ، شبکه سازی منطقه ای در قالب محور مقاومت را به منظور گسترش عمق استراتژیک و مقابله با حصر ژئوپلیتیکی و نظامی خود شکل داده و از تمامی دولتها و گروههای تشکیل دهنده این محور حمایت کرده است. ایران به عنوان کشوری که تنهایی استراتژیک را در طول سالهای جنگ عراق علیه خود به خوبی تجربه نموده ، به این باور رسیده است که تنها از طریق تفوق قدرت و افزایش نفوذ می تواند با رقیبان منطقه ای و بین المللی خود مقابله نماید. این عمل استراتژیک از طریق مفهومی ، انتزاعی و استراتژیک با استفاده از ایجاد و تقویت گروههای وفادار و متعهد به ایدئولوژی و راهبرد ضد صهیونیستی و ضد آمریکایی خود و نیز ایجاد پایگاههای نظامی گروههای مقاومت و تقویت قدرت نظامی آنها و نیز اتحاد با کشورهای همسو ، در کنار موازنه درونی قدرت تأمین می شود (طالعی حور ، 1402 : 87).

ب : ارتقاء و توسعه توانمندی دفاعی- امنیتی: ایران برای مقابله با مولفه های استراتژی مهار آمریکا به ارتقای توانمندی موشکی و پهبادی خود با هدف بازدارندگی و تقویت موازنه درونی قدرت اقدام نموده است. مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی آمریکا طی گزارشی در سال 2020 از این کشور به عنوان بزرگترین و متنوع ترین زرادخانه موشکی در محیط منطقه ای غرب آسیا نام برده است. تحلیل گران ضمن تبیین توانایی موشکی ایران از برد عملیاتی 150 الی 2000 کیلومتری این موشکها سخن گفته و معتقدند که این قابلیت های نظامی منجر به تهدید ایران برای رقیبان غیر همسو و حتی متحدان استراتژیک گردیده است. حمله پهبادی و موشکی آوریل 2024 ایران به اسرائیل تحت عنوان عملیات وعده صادق ، به دلیل تهاجم آن رژیم به کنسولگری ایران در دمشق ، بیش از گذشته توانمندی دفاعی این کشور را در منطقه نشان داد (مصلی نژاد ، 1403 : 46).

ج : حمایت لجستیکی و تسلیحاتی از کشورهای همسو در منطقه: بخشی از ابزارهای ایران برای مقابله با تهدیدات منطقه ای و مداخلات قدرتهای متخاصم فرامنطقه ای ، توانمندسازی جنبشهای مقاومت و تسلیح و مجهزسازی آنها به تسلیحات سبک و نیمه سنگین است. موشکهای قیام با برد 550 کیلومتر علیرغم سپر دفاع موشکی پاتریوت پک 3 توانسته است موازنه تهدید را متحول سازد. ایران در قالب پروژه افزایش دقت تسلیحات مقاومت ، با انتقال تسلیحات نیمه سنگین و سبک به جبهه مقاومت توانسته ضمن تغذیه تسلیحاتی این گروه ها به ارتقای توانایی آنها در مواجهه با نیروهای آمریکایی و متحدین منطقه ای آن کمک کند. نیروهای مقاومت با وجود محاصره تسلیحاتی غرب توانسته اند

موشکهای فاتح 110 با برد کوتاه ، شهاب 1 ، شهاب 2 ، موشکهای ضد تانک طوفان ، تانکهای تی 72 و پهپادهای کرار را جهت مهار تهدیدات نظامی رژیم صهیونیستی مورد استفاده قرار دهند(طالعی حور ، 1402 : 93).

نمودار شماره 1: مولفه های راهبردی و شیوه بکارگیری سیاست های امریکا در غرب اسیا و عکس العمل ایران¹⁵



¹⁵: ترسیم نگارنده ، منبع : طالعی حور ، 1402 .

4 - 4 - شيوه های بکارگیری راهبردهای آمریکا و عکس العمل ایران (نقش یابی تاکتیکی و موازنه منطقه ای):
بازیگرانی که از موازنه سازی منطقه ای در رفتار سیاسی، الگوهای راهبردی و برنامه ریزی دفاعی خود بهره می برند، می توانند زمینه های مربوط به امنیت و توازن را فراهم نمایند. موازنه منطقه ای در شرایطی دارای مطلوبیت است که زمینه های بحران سازی منطقه ای وجود داشته باشد (رضا پور و سیفی، 1403: 72).

1 - 4 - 4 - ایالات متحده آمریکا:

الف: تحول در دنباله روی و تجاری سازی امنیت در منطقه: نوع کنش و راهبرد قدرتهای فرا منطقه ای در معادلات منطقه غرب آسیا منبعث از دو عامل بوده است: اولاً: اولویت بندی سطح و میزان منافعی که قدرتهای فرا منطقه ای برای خود در این منطقه تعریف می کنند. دوماً: تمایل و درخواستی که کشورهای منطقه از قدرتهای فرا منطقه ای برای ورود به معادله رقابتهای منطقه ای به نفع خویش دارند. درک سیاستهای منطقه ای آمریکا در ارتباط با ایران یکی از ضرورتهای تاکتیکی است (جوادی و دیگران، 1402: 258). 27 کشور با 38 پایگاه که فقط برای غرب آسیا است در حوزه مأموریت ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا وجود دارد که ایران نیز در گستره همین چتر است. تعداد پایگاه ها به تفکیک کشور بر اساس آمارهای سال 1400 شامل: عراق شش پایگاه، عمان شش پایگاه، سوریه پنج پایگاه، کویت چهار پایگاه، بحرین سه پایگاه، امارات سه پایگاه، عربستان دو پایگاه، اسرائیل دو پایگاه، قطر دو پایگاه، ترکیه دو پایگاه، جیبوتی یک پایگاه، مصر یک پایگاه و اردن یک پایگاه است (گنجیان و جعفری، 1402: 79).

ب: شبکه سازی (موازنه تاکتیکی): موازنه تاکتیکی در سیاست خارجی قدرتهای بزرگ تابعی از الگوی کنش متوازن با دیگر بازیگران است (جوادی و دیگران، 1402: 239). شبکه تهدیدات ایران در نگرش آمریکا و نظریه پردازان راهبردی آمریکا طیف گسترده ای از بازیگرانی است که در عراق، سوریه، لبنان و یمن فعالیت دارند. هر یک از این بازیگران در فضای پیوستگی راهبردی قرار گرفته و از محرک های لازم برای گسترش نقش سیاسی و راهبردی در محیط منطقه ای بهره می گیرد (هاشمی و دیگران، 1403: 17).

ج: استفاده از معادله قدرت نرم (جنگ ترکیبی):

- تحریم اقتصادی: از راهبردهای مهم کشورهای سلطه گر در طول تاریخ برای تحت فشار قرار دادن کشورهای چالش گر نظم موجود جهانی، فشار اقتصادی در قالب تحریم می باشد. به عبارت دیگر در صورت عدم امکان تهاجم نظامی در قالب جنگ سخت، تحریم ها مهمترین راهبرد جنگ نرم برای شکستن توان مقاومت دولت چالش گر است.

- تاثیر بر افکار عمومی: نقطه آماج جنگ نرم ، افکار عمومی کشور مورد تهاجم است. به عبارت دیگر ، جنگ نرم مجموعه ای از راهبردها ، ابزار و وسایل برای تغییر و تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی کشور مورد تهاجم است.

- آشوب اجتماعی: معمولا تغییر و دستکاری افکار عمومی کشور مورد تهاجم در راستای ایجاد آشوب سیاسی و اجتماعی و به طور کلی بی ثباتی سیاسی است.

- دیپلماسی و مذاکره : دیپلماسی و مذاکره (دیپلماسی اجباری) از راهبردهای مهم کشور سلطه گر برای تغییر الگوی رفتاری کشور چالشگر است. راهبرد غیرنظامی دیپلماسی اجبار به جای توسل جستن به جنگ ، تلاش می کند تا با اقناع سازی ، کشور هدف را از انجام اقدامات خود در مقابل رقیب با این شیوه باز دارد(رمضانی تکمیلی ، 1403 : 54).

د: بازدارندگی تاکتیکی(نبرد درحاشیه): واقعیت های تاکتیکی آمریکا بیانگر آن است که سیاست امنیتی و الگوی کنش راهبردی آمریکا تابعی از معادله قدرت ساختاری در سیاست و نظم جهانی بوده است. اخیرا نبرد در حاشیه را می توان بخشی از سیاست و راهبرد عملیاتی آمریکا علیه سیاست منطقه ای ایران دانست. در روند جنگهای اخیر در منطقه و بخصوص جنگ غزه ، بخشی از قابلیت و قدرت بازدارنده ایران در سیاست منطقه ای کنترل و محدود شد. در این راستا حمایت نظامی و اقتصادی آمریکا از اسرائیل بیانگر این واقعیت است که صلح سازی در محیط پیرامونی کاری دشوار بوده و می تواند چالشهای امنیتی را برای بازیگران منطقه ای به وجود آورد(مصلی نژاد ، 1403 : 49).

2- 4- 4 - جمهوری اسلامی ایران: ایران در برابر اقدامات آمریکا برای مهار خود با نشانه هایی از چالش امنیتی و تهدید راهبردی روبه رو است. بنابراین استراتژی ایران در برابر آمریکا براساس سازوکارهایی همانند: قدرت سازی ، ائتلاف ، توانمندی دفاعی و نظامی طراحی می شود.

الف: قدرت سازی از طریق موازنه: قدرت سازی در شرایطی حاصل می شود که زمینه برای ظهور شکل خاصی از موازنه قدرت و موازنه تهدید به وجود آید. ایران از سازوکارهای مربوط به موازنه قدرت برای محدودسازی تحرک منطقه ای آمریکا بهره گرفته و برای تحقق چنین هدفی درصدد برآمده تا قابلیت های بازدارنده خود را ارتقا دهد. ظهور بازیگران هویتی ، شکل جدیدی از معادله قدرت را بازتولید می کند. این جریان یکی از محورهای اصلی و بنیادین کنش سیاسی بازیگران منطقه ای جنوب غرب آسیا است ، که ماهیت اجتماعی داشته و از سازوکارهای کنش انقلابی برای تغییر در موازنه قدرت استفاده می کند. لذا کاربرد سیاست مقاومت از سوی ایران به عنوان واکنشی در برابر اقدامات تهاجمی آمریکا در منطقه محسوب می شود(هاشمی و دیگران ، 1403 : 24).

ب: موازنه سازی ناحیه ای (تاکتیکی) با قدرتهای بزرگ در محیط منطقه ای : سیاست خارجی عرصه کنش ها و تنش هایی است که هر کدام از آنها معلول عوامل گوناگون است. راهبرد موازنه سازی تاکتیکی و ناحیه ای بین ایران و چین (بیشتر اقتصادی) و روسیه (بیشتر دفاعی - نظامی و لجستیکی) در محیط منطقه ای غرب آسیا در این راستا قابل توصیف و تحلیل است. موازنه سازی ناحیه ای بین ایران و چین در بعد اقتصادی معطوف به تقویت همکاری اقتصادی چین با ایران برای کاهش اثرات منفی تحریم های آمریکا در قبال ایران است. چین عملاً تبدیل به بزرگترین خریدار نفت خام در دوران تحریم ها شده است (محمد نیا و سیفی ، 1403 : 77).

ج: ائتلاف سازی: ائتلاف سازی یکی از سازوکارهای مربوط به موازنه قدرت خواهد بود. یکی از شاخصهای اصلی ائتلاف سازی را معادله قدرت تشکیل می دهد. یکی دیگر از سازوکارهای کنش ایران برای مقابله با تهدیدات منطقه ای آمریکا را می توان در مدیریت بازیگران هویتی جستجو نمود. ائتلاف سازی ایران و آمریکا بخشی از سازوکارهای کنش متقابل آنان محسوب می شود. از سال 2012 میلادی ، ایران توانست روند ائتلاف سازی را با بازیگران منطقه ای همانند سوریه و عراق گسترش دهد. بخش دیگر ائتلاف سازی راهبردی ایران گسترش همکاری ها با چین و روسیه را شامل می شود (هاشمی و دیگران ، 1403 : 28).

د: تنهایی راهبردی و شیفت به سمت توانمندی دفاعی - نظامی: محیط منطقه ای غرب آسیا دوران گذار خویش را طی می کند و در این دوران ، هریک از قدرتهای منطقه ای به دنبال افزایش اتحاد سازی و ائتلاف سازی و افزایش نفوذ و حضور خود در منطقه بوده اند. شکل گیری این وضعیت در منطقه باعث تلاش کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران برای افزایش قدرت و توان نظامی و محورسازی شده است ، زیرا تهران همواره خود را در یک «تنهایی راهبردی» احساس کرده که در آن کشورهای منطقه به ایران از جنبه تهدید نگاه می کنند. بر همین اساس ایران برای جبران تنهایی راهبردی و برای ایجاد بازدارندگی در مقابل کشورهای رقیب در منطقه به سمت توانمندی هسته ای و توانمندی های نوظهور دفاعی نظامی حرکت کرده است (قلخانباev و دیگران ، 1402 : 48).

نتیجه گیری: محیط منطقه ای غرب آسیا بخصوص در یک دهه ی گذشته جولانگاه قدرت های بین المللی و منطقه ای برای نفوذ و پیشبرد منافع خود بوده است. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا به عنوان دو بازیگر غیر همسو در این محیط با نقش یابی تاکتیکی همواره در صدد کنترل نفوذ هم در این محیط بوده اند. فرایندهای تصمیم گیری و تصمیم سازی در محیط بین الملل امروزه کاملاً پیچیده و سیستمی و تابعی از تعارضات بین بازیگران همسو و غیر همسو در محیط شده است. سیاست گذاری راهبردی آمریکا در محیط منطقه ای غرب آسیا و کنش تهاجمی این

کشور سبب فراز و فرودهایی در این محیط شده است. استراتژی ایران به عنوان یک کنش گر غیر همسو در مقابل سیاست گذاری راهبردی آمریکا در محیط منطقه ای غرب آسیا ، بازی موازی و استفاده از محرک های چند سطحی (نقش یابی فعال در مواقع لزوم) و ائتلاف سازی های تاکتیکی بوده است. جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدامات آمریکا برای مهار خود با نشانه هایی از چالش امنیتی و تهدید راهبردی روبه رو است. طبیعی است که سیاستگذاری راهبردی ایران در برابر ایالات متحده براساس سازوکارهایی همانند قدرت سازی ، ائتلاف ، توانمندی دفاعی و نظامی باشد. هدف از طرح پژوهش حاضر تفسیر استراتژی آمریکا در محیط منطقه ای غرب آسیا در مقابل کنش گران غیر همسو بوده است. یافته های پژوهش موید این نکات است که ، در بررسی مولفه های راهبردی مهار – موازنه ایالات متحده آمریکا در محیط منطقه ای غرب آسیا به عواملی همچون: توازن سازی از طریق احاله اختیارات ، ائتلاف سازی منطقه ای (اتحاد) ، شبکه سازی پایگاهی و فروش تسلیحات (بازدارندگی هوشمند) بستگی دارد. عکس العمل جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کنش گر غیر همسو ، در مقابل مولفه های راهبردی آمریکا در منطقه عواملی همچون : شبکه سازی (محور) منطقه ای ، ارتقاء و توسعه توانمندی های دفاعی – نظامی ، حمایت لجستیکی و تسلیحاتی از کشورهای همسو در منطقه می باشند. ایالات متحده آمریکا برای بکارگیری مولفه های راهبردی خود برای ایران از شیوه هایی همچون: تحول در دنباله روی و تجاری سازی امنیت ، شبکه سازی (موازنه تاکتیکی) ، استفاده از معادله قدرت نرم (جنگ ترکیبی) ، بازدارندگی تاکتیکی (نبرد در حاشیه) استفاده می نماید. عکس العمل جمهوری اسلامی ایران در مقابل شیوه های ایالات متحده آمریکا ، شیوه هایی همچون : قدرت سازی از طریق موازنه ، موازنه سازی ناحیه ای (تاکتیکی) با قدرتهای بزرگ در منطقه ، ائتلاف سازی در محور ، تنهایی راهبردی و شیفت به سمت توانمندی های دفاعی – نظامی می باشند.

منابع

الف: فارسی

- حسن پور ، حمید و ترشیزی برگوئی ، علی . (1397). بررسی تاثیر توسعه پایگاههای نظامی امریکا در منطقه غرب آسیا بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران . *علوم و فنون نظامی* ، 14 (45) ، صص 91 – 75 .
- حیدر پور ، ماشالله و جاودانی مقدم ، مهدی و کردی کلاک ، مهدی . (1400). ارزیابی پیامدهای سیاست تمرکززدایی امریکا از غرب آسیا و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران . *سیاست متعالیه* ، 9 (32) ، صص 308 – 278 .
- جعفری ، سید اصغر و کلانی ، حمید . (1403). ظرفیت ها و چالشهای ایجاد سازمان پیمان دفاعی کشورهای اسلامی غرب آسیا . *مطالعات سیاسی جهان اسلام* ، 13 (1) ، (49) ، صص 23 – 1 .
- جمشیدی ، محسن و فلاحتی ، سارا و ایدی ، محمد . (1401). راهبرد کلان ایالات متحده آمریکا (جوبایدن 2020 – 2024) در منطقه غرب آسیا و تاثیر آن بر مدیریت راهبرد (سیاسی – دفاعی) جمهوری اسلامی ایران در محور نفوذ . *بحران پژوهی جهان اسلام* ، 9 (3) (26) ، صص 117 – 97 .
- جمشیدی ، محسن و فلاحتی ، سارا و صدیق ، میر ابراهیم . (1402). بحران پژوهی منطقه ای طرح صلح ابراهیم و تاثیر آن بر منافع بین المللی چین در خلیج فارس . *مطالعات سیاسی بین النهرین* ، 2 (4) ، صص 610 – 587 .
- جوادی ارجمند ، محمد جعفر و سلمانی ، محمد متین و تفکری ، تهمنه . (1403). بررسی تطبیقی رویکرد جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در مواجهه با قیام های عربی . *سیاست جهانی* ، 13 (2) ، (پیاپی 48) ، صص 106 – 83 .
- جوادی ، امین رضا و متقی ، ابراهیم و ابطحی ، مصطفی . (1402). سیاست مقایسه ای خاورمیانه ای ترامپ و بایدن ، از موازنه نظامی تا موازنه فرا ساحلی . *مطالعات اسلامی سیاسی علوم سیاسی* ، 26 (2) ، (پیاپی 102) ، صص 269 – 237 .
- رضا پور ، دانیال و صبوری ، مصطفی . (1403). تبیین موازنه سازی چین در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی . *بحران پژوهی جهان اسلام* ، 11 (1) ، (پیاپی 32) ، صص 93 – 69 .
- رمضانی تکمیلی ، داوود و ایزدی ، فواد و جعفری نیا ، عباس و مرادیان ، محسن . (1403). پیامدها و فرصت های ناشی از افول هژمونی نظامی امریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران . *امنیت ملی* ، 14 (52) ، صص 68 – 47 .

- ضرغامی ، ابراهیم و ایزدی ، محمد . (1402) . مقایسه تحلیل راهبرد نظامی امریکا در دوران ترامپ و بایدن در رابطه با جمهوری اسلامی ایران . **محیط شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران** ، 7 (3) ، صص 42 - 9 .
- طالعی حور ، فاطمه . (1402) . جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا : تقابل راهبردی در منطقه غرب آسیا . **مطالعات راهبردی امریکا** ، 3 (12) ، صص 100 - 73 .
- قربانی شیخ نشین ، ارسلان و سجاد پور ، سید محمد کاظم و شریفی ، مجید محمد و انصاری ، مهدی . (1403) . پویایی سیاسی منطقه خاورمیانه و استراتژی کلان آمریکا (2008 - 2024) . **تحقیقات سیاسی و بین المللی** ، 59 ، صص 80 - 65 .
- قلخانباز ، خلیل و یزدانی ، عنایت الله و ابراهیمی ، شهرزاد . (1402) . رقابت استراتژیک امریکا و چین و تاثیر آن بر سیاست هندو پاسیفیک ایالات متحده ؛ درس اموخته های راهبردی جمهوری اسلامی ایران . **روابط خارجی** ، 15 (3) ، (پیاپی 59) ، صص 56 - 29 .
- گنجیان ، علیرضا و جعفری ، علی اکبر . (1402) . منافع نظامی - امنیتی و تقابل راهبردهای آمریکا - ایران در غرب آسیا . **مطالعات سیاسی جهان اسلام** ، 12 (4) ، (پیاپی 48) ، صص 98 - 71 .
- گنجیان مقدم ، علیرضا و جعفری ، علی اکبر . (1403) . تقابل سیاست خارجی ایران - امریکا در قبال رژیم صهیونیستی در غرب آسیا (تاکید بر عملیات 7 اکتبر وعده صادق) . **محیط شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران** ، 7 (3) ، (پیاپی 28) ، صص 46 - 9 .
- گوهری مقدم ، ابوذر و حضرتی رازلیقی ، محمد امین . (1401) . چشم انداز راهبرد احتمالی ایالات متحده در غرب آسیا و الزامات سیاسی آن . **مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی** ، شماره ویژه ، 12 ، صص 153 - 128 .
- محمد نیا ، مهدی و سیفی ، عبدالمجید . (1403) . جایگاه موازنه گری ناحیه ای در سیاست خارجی چین در قبال ایالات متحده در خلیج فارس . **سیاست جهانی** ، 13 (1) ، (پیاپی 47) ، صص 81 - 59 .
- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی - معاونت پژوهش های سیاسی - حقوقی ، دفتر مطالعات سیاسی . (1398) . تغییر جایگاه غرب آسیا در اسناد راهبردی امریکا و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران . خرداد ، کد موضوعی 260 ، ش مسلسل 16478 .
- مصلی نژاد ، عباس . (1403) . بحران منطقه ای جنگ غزه و آینده سیاسی جهان اسلام . **بحران پژوهی جهان اسلام** ، 11 (2) ، (شماره پیاپی 33) ، صص 53 - 30 .

- نصر اصفهانی ، محسن و کرانی ، زهرا و علییاری ، حسن . (1402) . بررسی تاثیر شکل گیری و گسترش قدرت محور مقاومت بر افول هژمونی امریکا در منطقه غرب آسیا . **مطالعات بیداری اسلامی** ، 12 (1) ، (پیاپی 27) ، صص 148 – 129 .
- هاشمی ، سید تقی و متقی ، ابراهیم و کشیشیان سیرکی ، گارینه . (1403) . سیاست گذاری راهبردی جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدامات امریکا در جنوب غرب آسیا (20121 – 2001) . **علوم سیاسی** ، بهار ، 27 (1) ، (پیاپی 105) ، صص 38 – 10 .

ب: لاتین

- Entessar, N., Afrasiabi, K. (2019). **Trump and Iran: From Containment to Confrontation**. NewYork & London: Lexington Book.
- Katz, B. (2018). **Axis Rising, Irans Evolving Regional Strategy And Non-State Partnerships in The Middle East**. CSIS: Center For Strategic & International Studies.
- Kennan, George F. (1947) . **The Sources of Soviet Conduct**. **Foreign Affairs Magazine**. 25(4): 566-582.
- Mearsheimer, John J., Stephen M. Walt (2016) “The Case for Offshore Balancing: A Superior U.S. Grand Strategy”, **Foreign Affairs**, July/August 2016, in: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2016-06-13>.
- Tabatabai, A., Clarke, C. (2019). Iran’s Proxies Are More Powerful Than Ever, **Foreign Policy**. October 16, 2019. Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/10/16/irans-proxieshezzbollah-houthis-trump-maximum-pressure>.
- Wright, Robin (2021). **Biden Face A Minefield in New Diplomacy with Iran** , The NewYorker, January 4, Available at: <https://www.newyorker.com/news/ourcolumnists/biden-faces-a-minefield-in-new-diplomacy-with-iran>.